

نقش آموزه محبت در روابط بین خدا و انسان از منظر قرآن

مقاله پژوهشی
اصل
Original
Article

سید مجتبی جلالی^۱، حسن سعیدی^۲، علی طاهری دهنوی^۳

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، تبیین و بررسی جایگاه محبت در روابط بین خداوند و انسان بود. **روش:** پژوهش حاضر، از نوع کیفی و براساس شیوه توصیفی و تحلیلی انجام شد. داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شد که به نوآوری در تبیین مصادیق محبت پرداخته است. **یافته‌ها:** از مفاهیم ارزشی و کاربردی در حوزه اندیشه و عمل انسان، آموزه اخلاقی محبت است که به دلیل تأثیر در سبک زندگی فردی و اجتماعی، در فحوای متون دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آموزه محبت از سوی خداوند بر بنده، به صورت رحمت عامه و خاصه و از سوی مخلوق، بر اساس ظرفیت وجودی و معرفت نسبت به ذات حق تعالی جلوه می‌کند. از منظر اجتماعی نیز به عنوان عنصری تأثیرگذار در سبک زندگی، تحکیم روابط بین آحاد اجتماع و آرامش بخشی به زندگی، با تکیه بر شناخت منابع دریافت محبت الهی و موانع جلب آن و نیز معرفت‌شناسی محبت‌های پسندیده و ناپسند، پیوسته مورد اهتمام قرار گرفته است. **نتیجه‌گیری:** محبت در قرآن، در مصادیقی همچون: رابطه میان خالق (خداوند) و مخلوق (بنده)، محبت پیامبران و محبت مؤمنان قابل تبیین است. محبت در روابط بین خداوند و بندگان نیز در دو ساحت آثار محبت خداوند به مخلوقات با نشانه‌های ایمان و تبعیت از خداوند و نبی (ص)، شوق و پایداری در وصال و عفو الهی؛ و آثار محبت مخلوقات به خداوند با مصادیقی نظیر محبت پیامبران، امامان معصوم (علیهم‌السلام) و مؤمنان به خداوند با التفات بر ساحت‌های تشکیکی مطرح شد.

واژگان کلیدی: خداوند، مخلوقات، محبت، محبوبی، محبی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

۱. دکترای فقه و اصول حوزه (گرایش قرآن و منابع اسلامی). استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهر کرد. شهر کرد، ایران (نویسنده مسئول). نمابر: ۰۳۸۳۲۳۲۴۴۰۷ / s.m.jalali@sku.ac.ir

۲. دکترای عرفان (گرایش عرفان اسلامی). دانشیار عرفان اسلامی، گروه حکمت و کلام، ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی. H-Saeidi@sbu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه دولتی، واحد شیراز. شیراز، ایران.

الف) مقدمه و بیان مسئله

مفهوم محبت، از جمله مفاهیم ارزشی و کاربردی در حوزه اعتقادات و رفتار انسان است که به دلیل اهمیت فراوان، در متون دینی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. این مسئله از منظر هستی‌شناختی، اخلاق فضیلت و اخلاق عرفانی و همچنین از زاویه اجتماعی و تأثیر آن در سبک زندگی، درخور واکاوی است. در این راستا، نسبت محبت میان خداوند و مخلوقات در منابع گوناگون دین اسلام، اعم از آیات قرآن کریم، احادیث و همچنین در کتابهای ادعیه شیعی و منسوب به معصومان(ع) اشاره شده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین و بررسی جایگاه محبت در کیفیت روابط بین خداوند و انسان و نقش آموزه محبت و سهم آن در جانب هر یک از طرفین محبت است. در واقع؛ پژوهش در مقام بررسی ماهیت محبت در سیر محبوبی و محبی میان خداوند و بندگان است. از جنبه‌های نوآوری پژوهش، تبیین مصادیق عینی محبت و تحلیل نشانه‌های آن در دو سیر خداوند به مخلوق و مخلوق به خداوند از منظر درجه و مرتبه است.

در خصوص پیشینه پژوهش، تحقیقاتی با عناوینی نظیر موارد ذیل به رشته تحریر درآمده است: «رابطه محبت خداوند با شادابی انسان» (داوودی، ۱۳۸۲) با رویکردی بر آثار محبت خداوند بر رفتار انسان؛ «آثار محبت خداوند به محسنین در قرآن» (تشرکی صالح، ۱۳۹۱) با هدف معرفی آثار محبت خداوند نسبت به محسنین در قرآن کریم؛ «جایگاه محبت و انس با معبود» (مصباح، ۱۳۹۱) حاوی شرحی بر مناجات محبین امام سجاد(ع)؛ «محبت میان خدا و انسان از دیدگاه ملاصدرا» (شجاری و نجف‌زاده، ۱۳۹۳) با تکیه بر حقیقت بودن محبت در خداوند و مجازی بودن اطلاق آن بر غیر او؛ «تأملی در معنای حُب در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن» (شیروانی شیری و همکاران، ۱۳۹۲) با محوریت معانی حُب در قرآن و دلالت‌های تربیتی مفهوم حُب؛ «تحلیل لایه‌های معنایی اخلاقی محبت در قرآن کریم با توجه به سیاق» (عمادی اندانی و پرچم، ۱۳۹۵) با رویکرد بر سیاق و روابط هم‌نشینی لایه‌های مختلف محبت. پژوهشهای انجام‌شده به رغم شیوایی و اغتنام، جز در موارد اندک، با پژوهش حاضر همپوشانی ندارند و این پژوهش در وجوه متعددی از موارد مطرح‌شده، متمایز است. پژوهش حاضر درصدد است تا ضمن احصای مصادیق محبت، به نقش و جایگاه این آموزه در نوع ارتباط بین خدا و بندگان بپردازد.

شناخت مفهوم محبت توسط انسان از آنجا ضرورت می‌یابد که در رابطه متقابل خویش با خداوند، شناختی کاربردی در بهره‌مندی از لطف و عنایت خداوند برای انسان به همراه

دارد. سؤال اصلی پژوهش، جایگاه محبت در روابط بین خدا و انسان است که به تبع آن سؤالاتی از قبیل چگونگی مصادیق این محبت دوجانبه قابل طرح است. وجود محبت ذاتی خداوند به بندگان از یک سو و محبت و ارادت قلبی انسان به خداوند از سوی دیگر، از مفروضات مسئله تلقی می‌شوند که می‌توانند منشأ بسیاری از فضائل باشند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به تبیین مسئله پرداخته است. مقاله بر اساس سؤالات مطرح‌شده، ضمن تبیین معنای محبت، به بیان اقسام محبت در قرآن و تقسیم انواع محبت در رابطهٔ بین خداوند و بندگان پرداخته است.

۱. چارچوب نظری

واژهٔ «محبت» از آموزه‌های بینارشته‌ای است که در هر حوزه دارای بسط معنایی ویژه به خود است. این واژه در آموزه‌های دینی به عنوان مسیر و راه سلوک معرفی شده که در سیر دورانی میان محبین و محبوبین، از نظر کمیت و کیفیت دارای شدت و ضعف است. با این حال، این سیر در هر مرحله دارای ویژگی‌ها و آثار مختص به خود است و مکتسبین و راه‌یافتگان به هر مرحله، از مراتب و خصایص منحصر به فردی برخوردارند.

یک) منابع و روش کسب محبت الهی

جلب محبت الهی از دیدگاه قرآن، در کسب ویژگی‌هایی همچون: پاک‌ی (توبه: ۱۰۸)، توکل (آل عمران: ۱۵۹)، صبر (آل عمران: ۱۴۶)، قسط (مائده: ۴۲؛ ممتحنه: ۸)، توبه (بقره: ۲۲۲)، احسان و نیکوکاری (مائده: ۱۳)، تقوا (توبه: ۴، ۷)، پیکار در راه خدا (صف: ۴) و ... است. صبر در برابر مشکلات، ناملایمات، مصیبت‌ها و ...، از جمله راه‌های رسیدن به حبّ الهی است: انبوهی دانشمندان الهی مسلک به همراه آنان جنگیدند، پس در برابر آسیبهایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند و خدا شکیبایان را دوست دارد». (آل عمران: ۱۴۶)

آیهٔ شریفه گرچه دربارهٔ افرادی است که در جهاد و جنگ استقامت کرده‌اند، منتها شأن نزول موجب تخصیص آیه نمی‌شود؛ بلکه دلالت‌کننده بر این مطلب است که استقامت‌کنندگان در راه خدا از صابران‌اند (صالحی‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۰). در قرآن کریم در بیش از ۹۰ آیه، از صبر سخن به میان آمده که بیشتر آنها نشان‌دهندهٔ این است که خدای سبحان به صابران عنایت ویژه دارد؛ از جمله: همراه‌بودن خدا با صابران (بقره: ۱۵۳، ۲۴۹؛ انفال: ۴۶، ۶۶)، دادن بهترین جزا به شکیبایان (نحل: ۹۶)، پاداش بی‌حساب داشتن آنان در نزد پروردگار (زمر: ۱۰) و

دروود و رحمت پروردگار نسبت به آنان(بقره: ۱۵۷)؛ که همه بیانگر کمیت یا کیفیت محبت خداوند به صابران است.

دو) موانع جلب محبت الهی

قرآن در نگاهی آسیب شناسانه، به این حقیقت اشاره می کند که برخی گناهان، محبت خداوند از انسان را سلب کرده، موجب محروم شدن وی از این نعمت می شوند؛ گناهانی همچون: ظلم (شوری: ۴۰)، فساد(قصص: ۷۷)، تجاوز از حدود الهی(بقره: ۱۹۰)، اسراف(انعام: ۱۴۱)، اعراف: ۳۱)، استکبار(نحل: ۲۳)، کفر(روم: ۴۵)، مباحات و افتخار زیاد، خیال زدگی(لقمان: ۱۸)؛ حدید: ۲۳)، خیانت(انفال: ۵۸؛ حج: ۳۸)، شادی مغرورانه(قصص: ۷۶) و افشای بدی های دیگران(نساء: ۱۴۸)، که هر کدام به سهم خود دارای آثار سوء و مخرب است و در ممانعت از محبت الهی دارای نقش است. نظیر این مهم را در گوشه ای از فراز دعای کمیل نیز خوانده ایم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ»؛ خدایا! برای من پیامرز گناهانی که دعا را از مستجاب شدن باز می دارد.(انصاریان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۶۵)

سه) ساحت های محبت

محبت دارای ساحت و ابعادی است که گاه، تحسین و گاه، مذمت شده است.

محبت های پسندیده؛ خداوند در آیات و حیانی، بسیار از انسانها خواسته تا برخی امور را دوست داشته باشند و از محبوبیت اموری همچون: حب ایمان(حجرات: ۷)، حب غفران الهی(نور: ۲۲)، حب به الله و رسول الله و جهاد در راه خدا(توبه: ۲۴)، حب یاری خدا و پیروزی بر دشمنان(صف: ۱۳)، محبت به مهاجران در راه خداوند(حشر: ۹) و محبت نسبت به خیر خواهان(اعراف: ۷۹)، حب فرزند(یوسف: ۸)، یاد کرده است. اصلی ترین معیار محبت که حد و مرز آن را تعیین می کند، محبتی است که برای خدا و هدف نهایی آن، رسیدن به خدا باشد؛ برای مثال، محبت به زن و فرزند در این راستا توصیه شده است و از سویی نباید غافل کننده از یاد خدا باشد؛ زیرا طبق آیه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»(حشر: ۱۹)، انسان به خود فراموشی سپرده خواهد شد.

محبت های ناپسند؛ قرآن اقسامی از محبت را برشمرده که شایسته است انسان به سمت آنان نرود؛ محبت هایی بی پایه و ظاهری که عاقبت شایسته ای به دنبال نخواهند داشت؛ اموری همچون: تمایل به اشاعه فحشا در میان مؤمنان(نور: ۱۹)، دوست داشتن، ستایش و تمجید بی جا(آل عمران: ۱۸۸)، حب شهوتها(آل عمران: ۱۴)، دوستی با منافق(آل عمران: ۱۱۹)، دوستی با معبودان باطل(بقره: ۱۶۵)، ترجیح محبت والدین، برادر، همسر، فرزند، طایفه، تجارت، مسکن

نقش آموزهٔ محبت در روابط بین خدا و انسان ... ۶۷

و اموال بر محبت خدا، رسولش و جهاد فی سبیل الله (توبه: ۲۴)، محبت ظواهر دنیا و مال (فجر: ۲۰؛ قیامت: ۲۰؛ انسان: ۲۷؛ عادیات: ۸)، دوست داشتن امری که به ضرر انسان است (بقره: ۲۱۶)، ترجیح دنیا و متعلقات آن بر آخرت و امور آن (توبه: ۲۳؛ فصلت: ۱۷؛ ابراهیم: ۳)، عمادی اندانی و پرچم، ۱۳۹۵: ۸۰-۵۹

یکی از محبت‌های ناپسند که مانع محبت خداوند به شمار می‌رود، محبت دنیا و دنیاپرستی است. خواست خداوند از بندگان، توجه به خود او یا حداقل به دنبال نعمت‌های آخری بودن است. همچنین جوهر کفر، دنیاپرستی است و آنچه موجب انکار حق پس از شناخت آن است، دنباله‌روی لذت‌های دنیوی است؛ لذا اگر دل جایگاه امری شد که اقتضای کفر دارد، نمی‌تواند جایگاه جوهر، میوه و کمال ایمان باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/۷/۱)

۲. متغیرهای معنایی

متغیرهای پژوهش مشتمل بر خصوصیات و اوصافی‌اند که ظرف مقادیر مختلف بوده و این مقادیر می‌توانند بر حسب افراد و انواع مختلف یا اشیاء، در ظرف زمانی یا شرایط متفاوت، تغییر پیدا کنند.

یک) متغیرهای وابستهٔ معنایی

متغیرهای وابستهٔ معنایی، متغیرهایی‌اند که در پژوهش استفاده شده‌اند و متأثر از متغیرهای معنایی مستقلی‌اند (که بدانها اشاره خواهد شد) که بر اثر تغییرات در آنها تغییر خواهند کرد و هدف تشریح میزان تغییرپذیری در آنهاست. برای دستیابی به حقیقت معنایی محبت، لازم است که در یک شبکهٔ معنایی از منظر، لغوی، اصطلاحی و در نگرش نقلی و ذوقی به آن نگریسته شود.

محبت، عاطفه یا علاقه، حالتی روحی یا جسمی است (دیکشنری،^۱ ۲۰۱۷). مادهٔ «ح.ب.ب» دارای معانی متعددی است؛ چیز دانه‌دار یا دانه (رایج در جو، گندم و انگور)، لزوم و ثبات، یا وصف کوتاه امری (ابن فارس، ۱۳۸۷). ریشهٔ لغوی «ح.ب.ب»، از حب، با کسر و فتح «حاء» به معنای دانهٔ خوراکی است. همچنین به آنچه در قلب انسان، از خوبی‌ها و بدی‌ها جریان دارد «حَبّه» گفته می‌شود؛ زیرا مانند دانه در قلب کاشته شده و رشد می‌کند و باعث رشد در جهت مثبت یا منفی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژهٔ حب). لذا محبت از ریشهٔ حب و در لغت به معنی دوستی، مهر و دلبستگی است. حَبّ، یَحِبُّ؛ او را دوست داشت، بدان علاقه پیدا کرد. (مسعود، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۵۵۱)

1. Dictionary.com

در برخی تعبیر، برای این واژه به نظایر و مترادفهای دیگری نیز اشاره شده است. ابتهاج؛ باب افتعال از واژه بهجت که به معنای سرور، شمع و شادی‌ای که به واسطه علاقه، شوق و محبت به امری حاصل می‌شود. عشق؛ زمانی که محبت به غایت خود برسد. «العشق محبه مفرطه»؛ عشق، خاص‌تر از محبت است؛ زیرا هر عشقی محبت است، اما هر محبتی عشق نیست (غفاری، ۱۳۸۰: ۲۵۳). از الفاظ مشابه مودت؛ به معنی عشق بی‌کران و محبت بی‌پایان خدایی: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱) که حضرت رسول مظهر کامل محبت الله است؛ چنانکه در حدیث قدسی آمده است: «و حبت محبتی للمتحابین فی و المتبازلین فی و المتقاطعین فی و المتواصلین فی و المتوکلین علی». (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۸۷) محبت اغلب با یک احساس یا نوعی عشق همراه است؛ طوری که تعدادی از شاخه‌های فلسفه و روان‌شناسی راجع به احساسات، بیماری‌ها، تأثیر و وضعیت موجودیت را به وجود آورده است (هاجسون، ۲۰۱۷). محبت از نظر اصطلاحی، وابسته به منشأ تعریف آن و بسته به علوم مختلف، تقسیم‌بندی می‌شود.

محبت در معنایی، محو محب است بصفات و اثبات محبوب است بذاته، که تمام صفات خود را در طلب محبوب نفی کند (قشیری، ۱۳۷۴: ۴۴۸-۴۴۴) و گویی به معنی دوستی و مانند سایر وجدانیات «ظاهره الانیه و خفیه الماهیه» است که از غلیان دل در مقام اشتیاق به لقای محبوب خبر می‌دهد (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۷۰۴). در تعریف عشق (محبت) از آن به عنوان علت وجود همه موجودات یاد شده که موهبتی غیر اختصاصی به انسان است و سایر موجودات به نحوی از آن برخوردارند (ابن‌سینا، ۱۴۰۰: ۳۷۵). گاه در نگاه فرامادی از محبت به عنوان طاعت حق تعالی توسط بنده‌اش (شیخ اشراق، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۲۹) یاد شده که در واقع بیانگر توجه و خواهش است. (الهروی، ۱۳۶۳: ۱۶۷)

در حوزه شناختی، محبت عین معرفت یا برابر آن است؛ پس ملازم با معرفت بوده، از آن جدا نمی‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۶۴). لذا محبت می‌تواند ابتهاج به شیء یا از شیء موافق باشد (سجادی، ۱۳۷۹: ۴۴۲) که گاهی از آن به عنوان فضیلتی یاد شده که در برابر عدالت است (صلیبا، ۱۳۶۶: ۵۸۱)؛ چنانکه شیخ طوسی آن را شور و شوقی دانسته که به واسطه کمال یا تصور حصول کمال در انسان ایجاد می‌شود (طوسی، ۱۳۷۳: ۶۹). در برخی تعبیر، از محبت به عنوان نوری مفید و سروربخش یاد شده که دارای مطلع واحد و حضرت پیوسته است؛ «محبت نوری است مفید سرور و مستفید حضور، از مطلع وحدت تافته و... تا به حضرت

رحمان پیوسته» (کاشانی، ۱۳۸۰: ۳۷۱). منقولات پیش گفته نوعی تفنّن در عبارات نیست که گویی عارفان جز برخی موارد، در صدد تعریف محبت و عشق به طور دقیق نبوده‌اند؛ بلکه تعبیر در راستای تعریف محبت و توصیف آن، از بیان اوصاف و ویژگی‌های آن، در صدد شناخت بهتر موصوف بهره گرفته‌اند.

غریق بحر مودّت ملامتش مکنید که دست و پا بزند هر که در میان ماند

(سعدی شیرازی، قصیده ۱۸)

حضرت امام(ره) در تعبیر خویش، حقیقت محبت را از امور وجدانی و ذوقی می‌داند؛ «بالجمله، حبّ و بغض از صفات نفسانیست متقابل با هم، و حقیقت آنها وجداناً واضح است؛ چون سایر وجدانیات و صفات نفسانیست که حقایق ذاتیاتشان واضح‌تر است از شرح مفهوم آنها» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴۵۲). از دیدگاه استاد جوادی آملی، از محبت، وداد و علاقه، گاهی به عشق یاد می‌شود؛ واژهٔ عشق از لطیف‌ترین تعبیرات دینی است که از اوج به حضیض، از فراز به فرود، از آسمان به زمین و به صورت شهوت درآمده؛ و الا مطابق تعبیر حکیم نظامی: عشق آینهٔ بلند نور است/ شهوت ز حساب عشق دور است (جوادی آملی، ۱۳۹۷/۲/۳). در خصوص منازل محبت، اختلاف دیدگاه وجود دارد. در نگرش خواجه انصاری، محبت منزل شصت و یکم از یکصد منزل است (بورکوی، ۱۳۸۱: ۱۸۹)؛ در حالی که به نظر می‌رسد آخرین منزل عرفان، محبت است و چون محبت دائرمدار ادراک بوده و هر چه ادراک بیشتر و مدرک آن مناسب‌تر با طبع باشد، لذت و بهجتی که از آن به دست می‌آید بیشتر است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵). لذا گرچه هر یک از احسان و ملایمت با طبع، از اسباب پیدایش محبت‌اند؛ منتها جمال و زیبایی محبوب، کیمیای دیگری است و محبتی که از آن پدید می‌آید با امر دیگری قابل مقایسه نیست. (نک: فرغانی، ۱۳۷۹: ۷)

پورسی: با توجه به تعاریف پیش گفته در تبیین معنای برگزیده و منتخب، به نظر می‌رسد محبت حالتی نافذ و درونی است که موجب کشش و دلبستگی یا وابستگی فرد به امر مورد حبّ وی می‌شود و لوازم و پیامدهای عملی و رفتاری مثبت یا منفی به دنبال دارد. در حوزه، دو سیر محبی و محبوبی میان خداوند و بندگان می‌تواند تحلیل خوبی از روابط دوسویه به دست دهد؛ به طوری که این دو واژه را می‌توان در خصوص هر کدام از طرفین به کار بست. برای مثال، خدای تعالی از این نظر که نسبت به بندگان خود حبّ و شفقت دارد و با رحمت و اسعهٔ خویش به آنان فیض می‌بخشد، قابل اتّصاف به وصف «محب» است و از سویی دیگر، با توجه به آنکه ذات مقدس وی محبوب عاشقان و دلدادگان کوی خود است، از این منظر

نیز متّصف به وصف «محبوب» است. این نوع نگاه در خصوص بندگان نیز با توجه به رابطه آنان با خدای تعالی، قابل انطباق است. البته ممکن است میان محب و محبوب از منظری دیگر تفاوت‌هایی برشمرده شود؛ به طوری که فردی محب بوده و در عین حال محبوب نباشد، مانند فردی که محب خدا باشد، منتها به واسطه سیره رفتاری خویش به درجه محبوبیت نایل نیامده باشد. لذا بر این مبنا، اوصافی همچون خستگی ناپذیری (فصلت: ۳۸)، ترس حبی (انبیاء: ۴۹) و حبّ و بغض الهی (بقره: ۱۶۵) برای محبوبین، قابل برشمردن است.

دو) متغیرهای مستقل معنایی

متغیر مستقل، متغیری است که از طریق آن، متغیرهای وابسته تبیین و پیش‌بینی می‌شوند؛ در حوزه انتخاب می‌شوند تا تأثیر و رابطه آنها با متغیرهای دیگر بررسی شود. در واقع؛ متغیرهای معنایی مستقل به گونه‌ای مثبت یا منفی بر متغیر وابسته اثر گذاشته، با هر تغییرات کمی و کیفی، موجب تغییرات در متغیر وابسته می‌شود.

محبت در روایات

معنای اصطلاحی محبت در احادیث گاهی با مضمون پذیرش ولایت الهی، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بیان شده است؛ رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «بنده‌ای ایمان نمی‌آورد، جز آنکه من برایش محبوب‌تر از خودش باشم و خاندانم برایش محبوب‌تر از خاندانش باشد و خانواده‌ام برایش دوست داشتنی‌تر از خانواده‌اش باشد...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۸۶). ایشان می‌فرمایند: «خدا را به دلیل نعمتهایی که به شما بخشیده است دوست بدارید و مرا به دلیل دوستی خدای متعال دوست بدارید و خاندان مرا به خاطر من دوست بدارید». (همان، ج ۷: ۱۴) از امام صادق (ع) نقل است که فرموده‌اند: «دوستی و محبت اولیای خدا و ولایت آنان واجب است و بیزاری از دشمنان آنان نیز لازم» (همان، ج ۲۷: ۵۲). همچنین ایشان می‌فرمایند: «خدا بنده‌ای را دوست نمی‌دارد تا ولایت (دوستی و اطاعت) او را بپذیرد و دوست نمی‌دارد او را تا اینکه بهشت را بر او حتمی کند» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۵۲۰). گاهی از محبت به معنای دین تعبیر شده است؛ پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «دوستی و مهرورزی (با مردم) نیمی از دین است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۳۹۲، ح ۱۱). امام باقر (ع) در این باره فرموده‌اند: «دین همان محبت و محبت همان دین است». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۲۵)

در مواردی، محبت ثمره عمل یا اعتقادی دانسته شده است؛ امام علی (ع) می‌فرمایند: «دوستی و محبت، میوه فروتنی است» (آمدی، بی‌تا، ج ۳: ۳۲۷). یا فرموده‌اند: «سه صفت موجب به دست آوردن محبت و دوستی است: انصاف در معاشرت؛ همدردی با دیگران در خوشی

نقش آموزهٔ محبت در روابط بین خدا و انسان ... ♦ ۷۱

و ناخوشی و برخورد با قلب پاک و سالم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۸۲). در مواردی، محبت داشتن سبب نتیجه‌ای پنداشته شده است؛ رسول اکرم (ص) فرمودند: «هر چیزی کلیدی دارد و کلید بهشت، دوست داشتن بینوایان و فقیران است» (متقی، ۱۴۱۹، ج ۶: ۴۶۹). همچنین فرموده‌اند: «به خدایی که جانم در اختیار اوست، وارد بهشت نمی‌شوید مگر مؤمن شوید و مؤمن نمی‌شوید، مگر اینکه یکدیگر را دوست بدارید» (طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۲۳). محبت در احادیث، گاهی با مضمون پذیرش ولایت الهی، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) یاد شده، گاهی از آن به دین تعبیر شده، در مواردی ثمرهٔ عمل یا اعتقادی دانسته شده و در مواردی نیز سبب نتیجه‌ای محسوب شده است.

بررسی: به نظر می‌رسد محبت، نوعی پیوند و رابطهٔ خاص میان متحابین است که بر حسب مراتب حبّ در هر دو ساحت عرفان نظری و عرفان عملی متفاوت است؛ لذا باید ملاحظه شود که حبّ مورد نظر در چه مرتبه‌ای قرار دارد تا حکم همان مرتبه مترتب شود. محبت و عشق آنگاه نقش‌آفرینی خود را خواهد داشت و آثار و لوازم آن مترتب خواهد شد که مانع و حجابی برای ظهور آن وجود نداشته باشد؛ ولی اگر مانعی در بین بود، لوازم و آثار محبت محقق نخواهد شد. از دیدگاه حضرت امام، محبت حق و شدت عنایت ذات اقدس به بندگان، امری گزاف نیست؛ بلکه هر قدم که مؤمن و بندهٔ خدا به سوی او بردارد، عنایت حق به او متوجه شده و حق تعالی به قدر ذراعی به او نزدیک می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲۴۱)

صوفی! ز ره عشق صفا باید کرد
عهدی که نموده‌ای وفا باید کرد

تا خویشی، به وصل جانان نرسی
خود را به ره دوست فنا باید کرد

(امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵)

محبت در آیات قرآن

معنای محبت در آیات متعدد قرآن به کار رفته و در آنها به شیوه‌های مختلفی به ابراز محبت اشاره شده است. اغلب کاربرد این ماده در قرآن، تمایل و جذب دو امر به یکدیگر و دوستی کردن است که از آن میان، جریان محبت دوطرفه میان پروردگار و بنده اهمیت بسیار دارد (آل عمران: ۳۱). حب در معنای غیر از دوستی و محبت نیز در آیات قرآن به کار رفته است (انعام: ۹۵). مادهٔ «ح.ب.ب» بر اساس قرائن لفظی در آیات قرآن، در معانی متعددی به کار رفته است؛ از جمله در معنای رابطهٔ دوطرفه بین خدا و بنده (مائده: ۵۴)، محبت خداوند به پیامبران (طه: ۴۱-۴۰)، محبت پیامبران به خداوند (یوسف: ۳۳؛ انعام: ۷۶)، محبت پیامبران به دیگران (قصص: ۵۶)، محبت مؤمنان نسبت به خداوند (بقره: ۱۶۵) و محبت مؤمنان به پیامبران (آل عمران: ۳۱؛ نور: ۲۲).

همچنین در برخی از آیات به عنوان منبع کسب محبت یاد شده است (بقره: ۲۲۲؛ مائده: ۱۳؛ آل عمران: ۷۶؛ توبه: ۴؛ مائده: ۴۲؛ ممتحنه: ۸؛ حجرات: ۹؛ صف: ۴ و ...). در قرآن کریم، موانع جلب محبت نیز در آیات متعدد ذکر شده است (آل عمران: ۳۲؛ بقره: ۲۷۶؛ حج: ۳۸؛ روم: ۴۵ و ...). همچنین در برخی از آیات (توبه: ۲۴ و ...)، محبت‌های ناپسند را یاد آور شده، از آنها نهی می‌کند. محبت در قرآن در ابعاد گوناگون و گسترده‌ای اشاره شده است.

۳. محبت؛ رابطه طرفینی میان خدا و بندگان

خداوند متعال در تبیین رابطه متقابل محبت میان خود و بنده‌اش می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده: ۱۴)؛ ای اهل ایمان! هر کس از شما از دینش برگردد، خدا به زودی گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن‌اند و در برابر کافران، سرسخت و قدرتمندند؛ همواره در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند. قرینه لفظی «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» در آیه، مبین رابطه دوسویه خداوند و بنده اوست. خداوند در هستی، آغازگر عنایت و توجه است و انسان پس از معرفت به خدا و طی کردن راه تزکیه، مشمول محبت ویژه پروردگار شده و در مرحله بعدی محبت عبد به خدا حاصل می‌شود. در واقع؛ خداوند چون ذات خود را دوست دارد، آثار خود را نیز دوست دارد: «من احب شيئا احب جميع افعاله و حرکاته و آثاره». (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۱۸)

یک) محبت پیامبران

تحلیل بافت و قراین لفظی آیات قرآن پیرامون محبت در مرتبه پیامبران، در سه حوزه ذیل قابل ترسیم است:

محبت خداوند نسبت به پیامبران؛ پیامبران انسانهای سلیم‌النفسی‌اند که با وجود مشکلات بسیاری که در مسیرشان قرار داشته، توانسته‌اند به کمال مطلوب خویش دست یابند. در این راه پر فراز و نشیب، خداوند با محبت خویش، فرستاده‌های خود را حمایت می‌کند. درباره حضرت موسی (ع) می‌خوانیم: «و چنان که باید تو را آزمودیم. پس سالیانی در میان اهل مدین ماندی. سپس ای موسی! بر اساس تقدیر الهی آمدی * و تو را برای خود ساختم». (طه: ۴۱-۴۰)

محبت پیامبران به خداوند؛ پیامبران خدا نمونه بارز افرادی‌اند که توانسته‌اند محبت و عشق به پروردگار را به منصب ظهور برسانند. حضرت یوسف (ع) به خاطر خداوند، سختی

نقش آموزهٔ محبت در روابط بین خدا و انسان ... ♦ ۷۳

زندان را تحمل کرد و حاضر نشد تن به گناه دهد (یوسف: ۳۳). حضرت ابراهیم (ع) نیز در سخن با غیر خداپرستان از هرچه افول‌پذیر بود، برائت جست: «پس چون شب او را پوشانید، ستاره‌ای دید، گفت: این پروردگار من است. هنگامی که ستاره غروب کرد، گفت: من غروب‌کنندگان را دوست ندارم» (انعام: ۷۶)؛ بلکه خدایی را سزاوار محبت و پرستش دانست که همواره حاضر و ناظر بندگان خویش باشد.

محبت پیامبران به خلق خدا؛ محبت پیامبران به مردم باید در راستای محبت خداوند باشد و در نهایت، در مسیر هدایت به سوی خداوند منتهی شود؛ زیرا هدایت تنها در قلمرو قدرت خداوند است و پیامبران نمی‌توانند مطابق میل خود فردی را هدایت کنند: «قطعاً تو نمی‌توانی هر که را خود دوست داری هدایت کنی، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند» (قصص: ۵۶). طبیعتاً کسی می‌تواند هادی و مربی خوبی برای انسانها باشد که نسبت به آنها دلسوز باشد و انبیاء (ع)، سرآمد این ویژگی بودند. در آیات بسیاری از قرآن، به اشتیاق پیامبران به هدایت انسانها اشاره شده است؛ تا جایی که خداوند ایشان را به دلیل اندوه فراوانی که از عدم ایمان انسانها داشتند، دلداری می‌دهد: «شاید تو می‌خواهی برای اینکه آنان ایمان نمی‌آورند، خود را از شدت اندوه هلاک کنی» (شعراء: ۳). (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۶۲)

دو) محبت مؤمنان

با تأمل در سیاق آیات قرآن، محبت در سطوح و لایه‌های ایمانی در دو قسمت بخ شرح ذیل، قابل تبیین است.

محبت مؤمنان نسبت به خداوند؛ هم‌نشینی ایمان و شدت حب، نشان‌دهندهٔ آن است که محبت خالصانهٔ مؤمنان به خداوند از طریق درک اندیشهٔ توحیدی، از گذر نشانه‌های تعبیه‌شده در هستی و باور و اعتقاد آنان به خدا و اطاعت از او به وجود آمده است. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ» (بقره: ۱۶۵)؛ و برخی از مردم به جای خدا معبودهایی انتخاب می‌کنند که آنها را آن‌گونه که سزاوار است خدا را دوست داشت، دوست می‌دارند؛ ولی آنان که ایمان آورده‌اند، محبت و عشقشان به خدا بیشتر و قوی‌تر است. و اگر کسانی که ستم روا داشتند، هنگامی که عذاب را ببینند، بی‌تردید خواهند فهمید که همهٔ قدرت، ویژهٔ خداست و خدا سخت‌کیفر است.

محبت مؤمنان به پیامبر (ص): در آیاتی از قرآن، به محبت مؤمنان به پیامبران الهی اشاره شده است که گویی این محبت از جنس محبتی الهی است که به دلیل انتساب پیامبران به خداوند مورد توجه قرار گرفته شده است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران: ۳۱)؛ بگو اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد، و گناهانتان را ببامرزد و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. از عواملی که در محو آثار گناهان مؤثر است، انجام حسنات و کارهای نیک پس از ارتکاب گناه است؛ به خصوص خوف و گریه و صدقات و از همه مؤثرتر، محبت در راه خدا، به خصوص محبت محمد و آل محمد (ص) و پس از آن، محبت شیعیان و موالیان آن بزرگواران است. (ملکی تبریزی، ۱۴۲۰: ۷۷)

بررسی: اختلاف سطوح معرفتی انسانها گرچه در ابراز محبت یا سطوح آن، مؤثر و حایز اهمیت است؛ منتها این اختلاف، مانع از نفس محبت و علقه انسان به ابراز آن نیست؛ زیرا امری فطری و ذاتی است که بسته به درجه نفس انسان، قابل ارتقا به مراحل بالاتر است. البته ممکن است انسان به واسطه خطا، نسیان و ... به مرحله‌ای سقوط یابد که حتی امور فطری خود یا غرایزی را که با حیوانات در آنها شریک است، به تدریج از دست بدهد: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ». (اعراف: ۱۷۹)

۴. انواع محبت

گسترده‌گی مفهوم محبت در منابع دینی به گونه‌ای است که طبقه‌بندی آن به شیوه‌ای که جامع همه موارد باشد، چندان آسان نیست؛ زیرا در نگاهی جامع، تفاوت زیادی در منابع و متقابلاً تفاوت دیدگاه هر منبع نسبت به تقسیم‌بندی محبت وجود دارد. منتها در نگرشی کلی می‌توان محبت را در دو دسته تقسیم کرد که هر یک قابلیت شمول به دسته‌های دیگر را دارد؛ نخست، محبت خداوند به مخلوقات، شامل محبت الهی در حیطه‌های فعل، وجه و فیض الهی و تحت صفات بی‌حد ذات اقدس الهی که به طور طبیعی با توجه به موضوع مورد بحث در حیطه بشری، محبت شامل تمامی مراتب محبت الهی به بنی آدم با توجه به ظرفیتهای وجودی هر فرد است. دوم، محبت مخلوقات به خداوند که می‌تواند شامل دسته‌های مختلف و مراحل متفاوتی مانند محبت حسی یا طبیعی، محبت عقلی، محبت خیالی، محبت ظاهری، محبت باطنی و... باشد.

یک) محبت خالق به مخلوق

بر اساس آیات قرآن، خداوند، بندگان را به سبب داشتن زیبایی‌ها و کمالات دوست دارد؛ از جمله: تقوا: «فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۷۶)؛ صبر: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۶)؛ توکل: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۴۹) و

متکلمان، محبت خداوند به انسان را به ثواب دادن، مدح کردن و تجلیل آنها از سوی خداوند تفسیر می‌کنند. ملاصدرا محبت خداوند به بندگان را بر معنای حقیقی آن؛ یعنی «ابتهاج به شیء موافق» حمل کرده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ۱۵۷-۱۵۶). بر این اساس، وجود هر ممکن، مجلی و مظهري از کمال و جمال الهی و ابتهاج او به ذاتش است. ابتهاجی که در آن، ابتهاج به تمام افعال و آثارش منطوق است. هر انسانی دارای این استعداد است که با اختیار خود به خداوند نزدیک و به میزان آن، از محبت خداوند بهره‌مند شود. لذا با توجه به نتیجهٔ تسبب در حدیث «قرب نوافل»^۱، نوافل سبب صفای باطن و رفع حجاب از قلب است که از محبت الهی ناشی می‌شود (نک: شجاری، ۱۳۹۳). لذا از آنجا که جمیع عالم بحقائقها و هیئتها، صورت تصنیف الله است و محبت باری تعالی به ذات خود که مستجمع اوصاف کمال و جمال است، امری قطعی است، ثبوت محبت باری به لوازم و آثار خود؛ یعنی موجودات عالم، معلوم می‌شود؛ زیرا محبت باری به ما، سوی همان محبت به نفس خود بوده و قصوری در او نخواهد بود. (حسینی اردکانی، ۱۳۷۵: ۶۶۵)

عارفان، فاعلیت خداوند نسبت به عالم وجود را فاعلیت بالعشق می‌دانند و عشق از عناصر عمده و اساسی بینش و حرکات عرفانی است (نک: یثربی، ۱۳۶۶). مسئلهٔ حرکت حبی که سبب تحقق عالم از کتم عدم است، از ابداعات ابن عربی است (نک: ابن عربی، بی‌تا: ۲۰۴). او عشق را دین و ایمان خود می‌داند. از دیدگاه وی، عشق در اساس آفرینش جاری است؛ چنانچه عراقی نیز بر همین اعتقاد است (نک: عراقی، ۱۳۹۷). بر این اساس، حق تعالی که اعلا مراتب وجود از حیث ادراک و مدرک و مدرک است، حایز شدیدترین درجهٔ حب در مرحلهٔ حب ذاتی است. لذا خدای تعالی خود و خلقش را به تبع خود دوست دارد؛ زیرا آثار وجود او، شمه‌ای از خیر و کمالات اویند؛ پس تحقق عالم، فرع محبت و ارادهٔ اوست: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲) و حب، مقام الهی است که حق تعالی خود را به آن توصیف کرده و خود را ودود (هود: ۹۰؛ بروج: ۱۴) می‌نامد. محبت الهی که وجود به سبب آن ظهور یافته، بر حسب قابل‌ها، مختلف است؛ به طوری که در بعضی مراتب، ظهورش بیشتر

۱. نزدیک شدن بنده به خداوند به واسطهٔ انجام مستحبات.

است؛ مانند عالم اسما و صفات و عالم صور اسماء و اعیان ثابتۀ در نشئه علمی، تا آخرین مرتبه و نهایت هبوط. (امام خمینی، ۱۳۹۵: ۱۲۹)

پورسی: در حدیث قدسی معروف می‌خوانیم: «کُنْتُ كُنْزاً مَخْفِياً فَاحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتَ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرِفَ» (فیض کاشانی، ۱۳۴۲: ۳۳). این تعبیر در موارد مشابهی نیز با همین مضمون بیان شده است (ن.ک: ابن عربی، بی‌تا، ج ۲: ۱۱۲، ۲۳۲، ۳۲۲؛ انوار، ۱۳۳۷: ۳۸۸؛ ابن سینا، ۱۳۸۳: ۸) و بدین معناست که «من گنج پنهان بودم، دوست داشتم که آشکار شوم، پس خلق را آفریدم تا شناخته شوم». این کلام بر اساس عشق و محبت است و چون در هر ذره‌ای از عالم نیز این عشق وجود دارد، پس همه عالم سرگشته محبت و جویای مبدء حقیقی خود می‌باشند و یک جزء از اجزای عالم، پا از حد امکان بیرون نمی‌نهد؛ زیرا محبوس قید تعینات است (محمدی باغملانی، ۱۳۳۶، ج ۱: ۱۲۰). برخی معتقدند حق تعالی در مقام ذات، همه صفات را به نحو اندماجی در خود دارد، بدون آنکه موجب تکثر متن شوند و از این مقام، به غیب مطلق، کنز مخفی و... تعبیر شده است. پس دارایی به نحو بساطت، کنز است و از حیث وحدت و دوری از کثرت، مخفی است (قونوی، ۱۳۸۱: ۳۸) و عبارت فاحببت، عشق رمز هستی عالم و سر خلقت آدم شمرده می‌شود. لذا عارفان، آفرینش را حاصل حرکت حبی یا انگیزش عشقی می‌دانند و معتقدند عشق الهی به ایجاد و افاضه، به کل هستی سرایت یافته و سبب ظهور آن حقیقت تامه شده است. (گوهری رفعت، ۱۳۹۳)

علائم محبت خالق به مخلوق: بر اساس آیات قرآن، محبت خداوند به مخلوقات دارای نشانه‌های مختلفی به شرح ذیل است.

(۱) ایمان به خدا؛ خداوند در آیات متعدد، محبت را نسبت به انسانها، با نشانه تقوا که از ایمان به خود ناشی می‌شود، یادآور شده است: «خدا ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دلهایتان بیاراست و کفر و بدکاری و نافرمانی را ناخوشایند شما ساخت. اینان هدایت یافته‌اند» (حجرات: ۷؛ همچنین: توبه: ۴؛ آل عمران: ۷۶). گاه نیز صفات نیکویی را یادآور شده و صاحبان این صفات را مورد محبت خود می‌داند؛ مانند عدالت (حجرات: ۹) یا دادگری (ممتحنه: ۸). در جای دیگر، توبه کاران و پاکیزگان را مورد محبت خود دانسته؛ زیرا از نشانه‌های ایمان به اوست (بقره: ۲۲۲). در مواردی نیز صفاتی دیگری را همچون نیکوکاری که زینده مؤمنان است، مورد توجه قرار داده (بقره: ۱۹۵) یا توکل کنندگان را به عنوان افرادی محبوب معرفی فرموده است (آل عمران: ۱۵۹).

اما از جنبه مخالف، محبت به صاحبان صفت‌های رذیله را منتفی دانسته است؛ از جمله: خیانتکار ناسپاس: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ» (حج: ۳۸)؛ مفسدان: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۷۷)؛ معتدین: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (مائده: ۸۷)؛ متکبر و فخر فروش: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (نساء: ۳۶)؛ خیانتگر و گناه‌پیشه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا» (نساء: ۱۰۷)؛ گردنکشان: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ» (نحل: ۲۳)؛ ظالمین: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران: ۱۴۰)؛ خائنان: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال: ۵۸)؛ کافران: «اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۳۲)؛ بدزبان: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ» (نساء: ۱۴۸)؛ که در واقع تمامی این صفات، نشئت گرفته از عدم ایمان به خداوند یا ضعف در ایمان انسان است.

۲) ایمان و تبعیت نسبت به نبی(ص)؛ خداوند در آیات متعددی از قرآن، محبت خود به ایمان‌آوردندگان به پیامبر(ص) و پیروان او را ابراز داشته است: «بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد» (آل عمران: ۳۱). به دلیل اهمیت موضوع و عینیت این دو محبت است که در آیاتی، پیروی از پیامبر(ص) را هم‌ردیف پیروی از خود آورده است: «بگو خدا و پیامبر را اطاعت کنید» (نور: ۵۴). این مفهوم در سوره‌های محمد: ۳۳؛ مائده: ۹۲؛ تغابن: ۱۲؛ نساء: ۵۹؛ آل عمران: ۱۳۲؛ انفال: ۱؛ آل عمران: ۳۲ و ... نیز تبیین و تأکید شده است.

۳) شجاعت و پای‌ورزی؛ محبوب خداوند و بالتبع محب او، در وصال دارای شهامت و شجاعتی بسیار والاست که مانع و حجابی او را به وحشت نینداخته و مرگ را همچون دریچه‌ای به روشنایی می‌بیند. لذا محب، دیدار محبوب را آرزومند است. در ایبائی منسوب به امام حسین(ع) در شوق به خداوند و ترک عیال می‌خوانیم: «ترکت الخلق طرافی هواکا و أیتمت العیال لکی أراکا» (هاشمی خویی و همکاران، ۱۴۰۰، ج ۱۳: ۳۴۰). چنانکه پیامبر خدا(ص) فرمودند: هر که دیدار خدا را دوست داشته باشد، خدا دیدار او را دوست دارد و هر که دیدار خدا را خوش نداشته باشد، خدا نیز دیدار او را خوش ندارد. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۲۹۷)

۴) عفو الهی؛ این مژده برای افراد محبوب در نزد خداوند وجود دارد که مشمول بخشایش خداوند شوند. این مهم از آیات متعددی از قرآن قابل برداشت است؛ از جمله: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲)؛ آگاه باشید که بر دوستان خدا(بر اساس یکی از چندین لوازم ولایت)، نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷)؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. لذا خداوند هر که را دوست دارد، متوکی او شده، آثار محبت خود را بر وی ظاهر می‌کند و حمله ابلیس را از وی دفع گرداند. (غزالی، بی‌تا، ج ۱: ۵۸۸)

پروسی: از منظر وجودشناختی، خاستگاه آغازین محبت، صفتی است که در ذات الهی و علت خلقت موجودات است و به تعبیر عرفانی، در تعلق حب ذاتی به شهود ذات ریشه دارد؛ چنانکه در حدیث قدسی آمده است: «كنت كنزاً مخفياً فاحببتُ أن أعرف» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۴: ۱۹۹، ۳۴۴). اگر از نظرگاه گسترش و تعین به آن بنگریم، محبت صفت فعل الهی است؛ اما صفات ذاتی الهی که عین ذات حضرت حق‌اند و از آن روی که ذات حضرت حق، بسیط و نامتناهی است که ترکیب در آن راه ندارد و با توجه به عدم امکان شناخت صفت ذات، محبت را می‌توان در صفت فعل او جستجو و به مصادیق ارائه شده در آیات و احادیث اشاره کرد؛ زیرا شناخت اسرار و حدود این صفت و کم و کیف آن و دستیابی ساحت ادراک ما به ژرفای آنچه در قرآن و احادیث آمده، بس دشوار و بلکه محال است. لذا پس از نگرش کلی وجودشناختی به محبت، به ابعاد و مصادیق آن در عرصه خلق و وجودات و حقایق تعین یافته می‌توان نگرست.

دو) محبت مخلوق به خالق

محبت انسان به خداوند، با توجه به ساحت‌های وجودی انسان، متفاوت است؛ زیرا از نظر قرب به حق، پیامبران و امامان و سالکانی که مراتبی از کمال را پیموده‌اند، یکسان نیستند. آیات قرآنی در رابطه با این موضوع را می‌توان در سه محور محبت پیامبران به خدا، محبت امامان معصوم به خدا و محبت مؤمنان به خدا به شرح ذیل تبیین کرد.

محبت پیامبران به خدا؛ نمونه‌های این محبت در آیات الهی و در قصص قرآنی به چشم می‌خورد. برای مثال، حضرت ابراهیم (ع) با این بیان که: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ» (انعام: ۷۶)، محبت خود را نسبت به خدایی بی‌نقص بیان داشته است. درباره حضرت یوسف (ع) و با توجه به آیه «قَالَ رَبُّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ» (یوسف: ۳۳)، با استفاده از قرائن موجود در لفظ آیات قرآن و شواهد حالیه تاریخی، این نکته قابل اشاره است که ایشان در زندان بودن و در عین حال در کنف محبت الهی را از آزادگی با فساد و معصیت، محبوب‌تر دانسته است. یا در جریان قربانی کردن حضرت اسماعیل (ع)، نهایت محبت پیامبر خدا نسبت به ذات اقدس الهی و اطاعت بی‌چون

و چرا از دستور مشاهده می‌شود؛ «فَلَمَّا أَسْلَمَا وَلِلَّهِ لُجَبَيْنِ» (صافات: ۱۰۳). سراسر قرآن مجید مملو از آیاتی است که مستقیم یا تلویحی، بیانگر نهایت حد محبت انبیای الهی به خداوندند. بر اساس برخی آیات، انبیا مانند حضرت ایوب (ع) (انبیاء: ۸۳) از فرط عبادت محبت خود را به خداوند نشان داده‌اند یا آن را در تحمل شداید و سختی‌ها در راه خداوند و به دلیل محبت به حضرت احدیت بروز داده‌اند. (انبیاء: ۸۵).

محبت امامان معصوم به خدا؛ تبلور محبت ائمهٔ معصوم (ع) به خداوند متعال، به طرق متفاوتی ابراز شده است. این محبت در عبادت‌های خالصانهٔ ائمه (ع)، همچون عبادات امام علی (ع) و امام سجاد (ع) و سایر ایشان مشهود است. ائمه (ع) علاوه بر عبادات، در تمامی افعال خود، محبت خدا را تجسم داده‌اند؛ در اموری نظیر حادثهٔ کربلا و سایر حالات، این محبت قابل مشاهده است. امام علی (ع) از فرط محبت به خالق، او را چنین می‌ستاید: «سپاس خدای را که حق ستایشش بالاتر از حد ستایشگران است و نعمتهایش مافوق اندیشهٔ شمارشگران، حق جویان کوشا از ادای حقش ناتوان‌اند» (نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱). امام سجاد (ع) در عبادت‌هایش، محبوب خود را چنین می‌ستاید: «حمد خدایی را که اول همهٔ آثار هستی اوست و قبل از او اولی نبوده و آخر است بی‌آنکه پس از او آخری باشد... آنگاه همه را در راه ارادهٔ خود راهی کرد و در مسیر محبت و عشق به خود برانگیخت». (صحیفه کامله سجاده، ۱۳۷۶: دعای اول)

محبت مؤمنان به خدا؛ تحلیل محتوا و گفتمان آیات مربوط به محبت بندگان نسبت به خداوند، بیانگر آن است که ایمان، ملاک اصلی حبّ الهی در وجود انسان و بارزترین گزینه‌ای است که محبت عبد را به معبود نشان می‌دهد. تحقق حبّ بنده به خداوند، وابسته به ایمان به اوست: «إِنَّ الدِّينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶). به قرینهٔ آیات، خداوند این نوع دوستداری را به خویش اسناد داده است. در واقع؛ خداوند است که ایمان را محبوب دل‌های مؤمنان کرده: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبُ الْإِيمَانِ» (حجرات: ۷) و کفر را از نظرشان انداخته و در ازای ایمان و عمل صالح، به مؤمنان وعده داده که ایشان را در مسیرهای دوستداری، نظیر حبّ خداوندی، حبّ مؤمنان نسبت به یکدیگر، حبّ اولیای الهی و غیره در ظرف دنیا و آخرت قرار می‌دهد. (عمادی اندانی و پرچم، ۱۳۹۵: ۵۹-۸۰)

پورسی: مؤمنان با اتّصاف به صفات محبوب الهی، قابلیت نایل شدن به درجه‌ای را دارند که بتوانند بحق، ادعای محبت به خداوند را داشته باشند. به عبارتی؛ اطاعت از خدا، اطاعت از پیامبر (ص) و ائمه معصوم (ع)، تخلّق به اخلاق نبوی و علوی و همچنین پیروی در همهٔ مراحل زندگی، می‌تواند انسان مؤمن را دوستدار خدا و خدا را دوستدار او کند: «الهی!

مخلصان به محبت تو می‌نازند و عاشقان به سوی تو می‌تازند؛ کار ایشان تو بساز که دیگران نسازند. ایشان را تو نواز که دیگران ننوازند» (انصاری، ۱۳۹۵، مناجات ۸۰). بر اساس آیات الهی و با نگاهی متمایز، محبت نسبت به ذات مقدس حق دارای مراتب متعددی است؛ مرتبه‌ای عام به معنی میل، که فاقد اراده و به طور تکوینی است. مرتبه‌ای به شکل ارادی و همراه با شعور. در مرتبه بعدی که مختص انسان است، با بهره‌مندی از علم بالذات و گوهر گرایش است و در نهایت، محبت مختص انسانهایی است که آن را نه بر اساس خواسته‌ها و نیازها، بلکه در جهت برترین حبیب حق؛ یعنی حضرت ختمی مرتبت بنا می‌کنند. این مؤمنان، حب حق را در سیره عملی نشان می‌دهند و از عشق متقابل حضرت حق بهره‌مند می‌شوند. (نک: موفق و محمدهاشمی، ۱۳۹۶)

ب) تحلیل و بررسی

به نظر می‌رسد که محبت، صفت ذاتی است که پس از خلقت موجودات، به صورت صفت فعل تبلور یافته است. لذا محبت ذات الهی، سبب خلقت موجودات در عرصه گیتی شده است و با توجه به آنکه صفات خدا عین ذات است، این امر سبب بهت عقول بشری از درک این صفت شده است؛ زیرا این امر، حقیقتی بسیط و نامتناهی است و همه موجودات بر اساس ظرفیت وجودی خود از آن برخوردار می‌شوند؛ منتها وضوح و ادراک آن برای موجودات با ظرفیتهای مختلف، متفاوت است. چنانکه تبلور آن برای انسان که شامل پیامبران، اولیای الهی، امامان معصوم (ع) و مؤمنان می‌شود، بسیار متفاوت است و متقابلاً محبت مخلوقات نیز بر اساس شدت و ضعف معرفت وجودی نسبت به خداوند متعال، متناوب است.

خدای تعالی در آیات متعددی به محبت بین خود و بندگانش و سیر محب و محبوبی دوجانبه اشاره فرموده که بیانگر لطف واسعه حق تعالی و بالتبع، آثار گرانبار آن است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده: ۵۴). همچنان که در روایات و ادله عقلی از محبت به عنوان ارزشی متعالی در فرهنگ اسلامی و عامل بزرگ تقرب به خدای متعال یاد شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲/۹/۶). «مناجات المحبین» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱: ۱۴۸) در فرهنگ نیایش، درخشندگی خاصی دارد که علاوه بر تعلیم درخواست محبت به خدا، تعلیم‌دهنده آن است: «وَأَجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مَتِيمًا» (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۲۲۴)؛ «الهي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا، وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنْسَ بِقُرْبِكَ فَأَتَّبَعِيَ عَنْكَ حَوْلًا» (غروی و ابراهیمی فر، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶).

۲۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۱: ۱۴۸؛ ن.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۵۹). بر این مبنا، قرآن و روایات با طرح مباحث بسیار و گسترده، قلمرو بایدها و نبایدهای محبت را تعیین کرده‌اند که بر اساس، آن انسانی که متخلق به صفات الهی شود، شایسته و لایق محبت الهی است و فرد مستحق ادراک این محبت، به رضا و لقای الهی نایل خواهد شد؛ لذا ضروری است تا انسان ظرفیتهای خود را بر اساس آموزه‌های اصیل دینی افزایش و ارتقا دهد و جان گرانمایه را جز به بهای رضای الهی و نیل به لقای محبتش مبدول نکند.

سیر محبی و محبوبی، یک‌جانبه صرف نیست و گرایش از سوی هر دو منبع، زمینه‌ساز کشش طرف مقابل است: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا» (مائده: ۱۱۹). البته این تفاوت درباره ذات حق تعالی وجود دارد که صدور فیض محبت از جانب مقام او بدون چشمداشت قبلی و از سر رحمت و وسعیه و ابتدایی اوست: «قُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ» (انعام: ۱۴۷). لذا انتشار و افاده فیض محبتی از جانب خداوند (حداقل در ابتدای خلقت)، پیش‌زمینه یا گروگذاری فعلی ندارد؛ گرچه در مراحل بعدی این تعلق، بسته به میزان درجه بهره نفوس، متفاوت و متعدد می‌شود: «وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر: ۲۱). در حالی که این نوع گرایش محبتی در انسانها معمولاً مطالبه گرانه و بسته به میزان تنعم آنان شکل می‌گیرد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا * وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (معارج: ۲۱-۱۹). اما با قطع نظر از این موارد، حب و شوق محبوب و محب در روابط بین خداوند و انسان، همواره دایره و گویی از ارکان مستحکم نظام علی و معلولی است؛ گرچه درجه و میزان این حب از جانب حق تعالی، افزون‌تر و از جانب انسان، بسته به مرتبه نفسانی وی خواهد بود.

ج) نتیجه‌گیری

محبت، عاطفه یا علاقه، حالتی روحی یا جسمانی است که اصطلاح وابسته به منشأ تعریف در آیات، روایات، عرفان و فلسفه، مورد اشاره و تبیین قرار گرفته است. بیشترین کاربرد این واژه در قرآن، در حوزه تمایل دو امر به یکدیگر است که از آن میان، جریان محبت طرفینی میان خالق (خداوند) و مخلوق (بنده) از اهمیت بسزایی برخوردار است و در این راستا، توجه به اصولی نظیر منابع کسب محبت الهی و موانع جلب محبت از یک سو و محبت‌های پسندیده و ناپسند از سوی دیگر، بسیار راهگشا و کاربردی خواهد بود. محبت در قرآن، در حوزه‌های متعددی همچون رابطه میان خداوند و بندگان و نیز محبت پیامبران و مؤمنان نسبت به خداوند، مطرح و قابل استخراج است. محبت در روابط بین خالق و مخلوق در دو محور محبت خداوند به مخلوقات و بالعکس، قابل طرح است. محبت خداوند نسبت به مخلوقات دارای

آثار و نشانه‌هایی همچون: ایمان به خداوند و نبی (ص) و تبعیت از ایشان، شجاعت در وصال و عفو الهی است. از دیگر سو، در حوزه محبت مخلوقات به خداوند، می‌توان از مصادیقی همچون: محبت پیامبران، امامان معصوم (علیهم‌السلام) و مؤمنان به خداوند، یاد کرد. ضمن آنکه از این مطلب نباید غافل ماند که محبت، صفت ذاتی و بعد از خلقت به صورت صفت فعل نمود یافته و امری بسیط، نامتناهی و غیر مرکب است که موجودات بر اساس ظرف وجودی از آن برخوردارند. لذا تبلور آن از سوی خدا بر بنده و متقابلاً از بنده به خدا، بر اساس معرفت وجودی نسبت به خداوند متعال است.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- صحیفه کامله سجادیه (۱۳۷۶).
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (بی تا). غرر الحکم و دررالکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- ابن سینا (شیخ الرئيس)، حسین بن عبدالله (۱۴۰۰ ق). رسائل ابن سینا. قم: بیدار.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲). تحف العقول. ترجمه صادق حسن زاده. قم: آل علی (ع).
- ابن عربی، محیی الدین محمد (بی تا). الفتوحات المکیه. بیروت: دارصادر.
- ابن فارس، احمد (۱۳۸۷). تریب مقایس اللغه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- الهروی، محمد شریف نظام الدین (۱۳۶۳). انواریه. تهران: امیرکبیر.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). ره عشق. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۶). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۹۵). شرح دعای سحر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاری، عبدالله بن محمد (۱۳۹۵). مناجات نامه. تهران: دوستان.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۲). شرح دعای کمیل. تحقیق: محمدجواد صابریان. منبع: عبدالرضا محیی الدینی. [بی جا]: دارالعرفان.
- انوار، قاسم (۱۳۳۷). کلیات قاسم انوار. مصحح: سعید نفیسی. تهران: کتابخانه سنائی.
- بورکوی، سرژ دولوژییه دو (۱۳۸۱). سرگذشت پیر هرات: خواجه عبدالله انصاری. ترجمه روان فرهادی. تهران: الست فردا.
- تشکری صالح، ابوذر (۱۳۹۱). «آثار محبت خداوند به محسنین در قرآن». معرفت، ش ۱۸۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷/۲/۳). پیام به همایش ملی «محبت و جایگاه آن در آموزه های اهل بیت (ع) با تأکید بر سیره رضوی (ع).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تسنیم. قم: اسراء.
- حسینی اردکانی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). مآلات الاکوان (تحریر شرح هدایه ملا صدرا شیرازی). تهران: میراث مکتوب.

- داوودی، محمدرضا (۱۳۸۲). «رابطه محبت خداوند با شادابی انسان». پاسدار اسلام، ش ۲۶۶.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳). فرهنگ معارف اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شجاری، مرتضی و شهین نجف‌زاده (۱۳۹۳). «محبت میان خدا و انسان از دیدگاه ملاصدرا». انسان‌پژوهی دینی، دوره یازدهم، ش ۳۱.
- شیخ اشراق (۱۳۷۵). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیروانی شیری، علی؛ بابک شمشیری، محمد نجفی و راحله نبوی‌زاده (۱۳۹۲). «تأملی در معنای حُب در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یکم، ش ۱۸.
- صالحی‌زاده، محمد اسماعیل (۱۳۸۸). محبت در قرآن. قم، اشک یاس.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۱). کسر الاصنام الجاهلیه. تهران: بنیاد حکمت صدر.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). شرح أصول الکافی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صلیبا، جمیل و منوچهر صناعی دره‌بیدی (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی. تهران: حکمت.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۷۹). مشکاه الانوار فی غرر الاخبار. ترجمه عبدالله محمدی و مهدی هوشمند. قم: دارالتقلین.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۷۳). اوصاف الاشراف. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عراقی، فخرالدین (۱۳۹۷). لمعات فخرالدین عراقی. مقدمه و تصحیح: محمد خواجوی. قم: آیت اشراق.
- عمادی اندانی، سمیه و اعظم پرچم (۱۳۹۵). «تحلیل لایه‌های معنایی - اخلاقی محبت در قرآن کریم با توجه به سیاق». پژوهشهای زبان‌شناختی قرآن، دوره پنجم، ش ۲.
- غرویان، محسن و عبدالجواد ابراهیمی‌فر (۱۳۷۶). ترجمه صحیفه سجاده. قم: الهادی.
- غزالی، ابوحامد (بی‌تا). إحياء علوم الدین. بیروت: دار الکتاب العربی.
- غفاری، سید محمد خالد (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات آثار شیخ اشراق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- فرغانی، سعیدالدین سعید (۱۳۷۹). **مشارق الدراری**. مقدمه سید جلال‌الدین آشتیانی. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۴۲). **کلمات مکنونه**. تحقیق: عزیزالله عطاردی. تهران: فراهانی.
- قشیری، ابوالقاسم (۱۳۷۴). **الرساله**. قم: بیدار.
- قونوی صدرالدین محمد (۱۳۸۱). **اعجاز البیان فی تفسیر ام القرآن**. محقق: سید جلال‌الدین آشتیانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- کاشانی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۰). **مجموعه رسائل و مصنفات کاشانی**. تهران: میراث مکتوب.
- گوهری رفعت، مجید (۱۳۹۳). «**غایت آفرینش در حدیث کنت کنزاً مخفیاً**». حکمت عرفانی، ش ۲.
- متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ ق). **کنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال**. بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). **بحار الأنوار**. بیروت: موسسه الوفاء.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). **بحار الأنوار الجامعه لدُرر أخبار الأئمة الأطهار**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی باغملانی، محمد کاظم (۱۳۳۶). **حدیث بی کم و بیش**. تهران: پارسیان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). **میزان الحکمه**. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مسعود، جبران (۱۳۸۴). **فرهنگ الراءد**. مترجم: رضا انزابی نژاد. مشهد: به نشر.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۹۱). «**جایگاه محبت و انس با معبود**». معرفت، سال بیست و یکم، ش ۱۷۸.
- ملکی تبریزی، میرزا جواد (۱۴۲۰ ق). **أسرار الصلاة**. ترجمه رضا رجب‌زاده. تهران: پیام آزادی.
- موفق، علیرضا و حسین محمدهاشمی (۱۳۹۶). «**نگاه تفسیری آیت الله جوادی به مراتب محبت الهی در عالم هستی**». علوم قرآن و تفسیر معارج، ش ۱.
- هاشمی خویی، حبیب‌الله؛ حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای (۱۴۰۰ ق). **منهاج البراهه فی شرح نهج البلاغه و تکمله منهاج البراهه**. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- یثربی، سید یحیی (۱۳۶۶). «**عشق در عرفان اسلامی**» (سخنرانی). کیهان فرهنگی، ش ۴۵: ۸-۱۱.

- **Dictionary.com**. Retrieved 19 November 2017.
- Hutcheson, Francis (2017). "17 th and 18th Century Theories of Emotions on the Emotions". *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Plato.stanford.edu.

- Al-Heravy, Mohammad Sharif Nizam al-Din (1984). **Anwariyeh**. Tehran: Amir Kabir.
- Amadi, Abdulwahid ibn Muhammad (N.D). **Gharr al-Hakam and Durr al-Kalam**. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Ansari, Abdullah ibn Muhammad (2016). **Munajat-nameh**. Tehran: Doostan.
- Ansarian, Hossein (2003). **Sharh Du'aye Kumail**. researcher: Mohammad Javad Sabrian. source: Abdolreza Mohi al-Dini: Dar al-Irfan.
- Anwar, Qasim (1958). **Kulyat Qasim Anwar**. edited by Saeed Nafisi. Tehran: Sanai Library.
- Bourquoy, Serge de Loujierde (2002). **The Story of the Elder of Herat: Khwaja Abdullah Ansari**. Translator: Rawan Farhadi. Tehran: Alast Farda.
- Emadi Andani, Somayeh & Azam Parcham (2016). "**Analysis of the Semantic-Ethical Layers of Love in the Holy Quran with Respect to the Context**". *Quranic Linguistic Research*, Vol. 5, No. 2.
- Fayz Kashani, Molla Hasan (1963). **Hidden Words**. Researched by Azizullah Atardi. Tehran: Farahani.
- Faraghani, Saeed al-Din Saeed (2000). **Mashariq al-Darari**. Introduction: Sayyed Jalal al-Din Ashtiani. Qom: Islamic Propaganda Office Publication Center.
- Ghaffari, Seyyed Muhammad Khalid (2001). **Dictionary of Terms in the Works of Sheikh Ishraq**. Tehran: Association of Cultural Works and Honors.
- Gharawiyani, Mohsen & Abdul Jawad Ebrahimi Far (1997). **Translation of Sahifa al-Sajjadiyah**. Qom: Al-Hadi.
- Ghazali, Abu Hamid (N.D). **Ihya' Ulum al-Din**. Beirut: Dar al-Kitab al-Araby.
- Gohari Rafat, Majid (2014). "**The Purpose of Creation in the Hadith of Count Hidden Treasure**". *Mystical Wisdom*, No. 2.
- Hashemi Khoyi, Habibullah; Hassan Hassanzadeh Amoli & Mohammad Baqir Kamraei (1979). **Minhaj al-Baraa'ah in the Explanation of Nahjul al-Balagha and the Supplement to Minhaj al-Baraa'ah**. Tehran: Maktaba al-Islamiyya.
- Hosseini Ardakani, Ahmad bin Muhammad (1996). **Mirat al-Akwan** (edited by Sharh Hidayah of Mulla Sadra Shirazi). Tehran: Mirath Maktoob.
- Ibn Arabi, Muhyiddin Muhammad (N.D). **Al-Futuhāt al-Mukiya**. Beirut: Dar Sadr.
- Ibn Faris, Ahmad (2008). **Sardari Maqa'is al-Lughah**. Qom: Hawza and University Research Institute.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram (1993). **Lisan al-Arab**. Beirut: Dar Sadr.
- Ibn Shu'bah Harrani, Hassan bin Ali (2003). **Tuhf al-Uqol**. translated by Sadiq Hassanzadeh. Qom: Al-Ali (P.B.U.H).

- Ibn Sina (Sheikh Al-Ra'is), Hussein bin Abdullah (1979). **Rasa'il Ibn Sina**. Qom: Bidar Publications.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1999). **Ra'eshq**. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (1997). **Sharh Chehel Hadith**. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah (2016). **Sharh Du'aye Sahar**. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Iraqi, Fakhr al-Din (2018). **The Words of Fakhr al-Din Iraqi**. Introduction and Correction: Mohammad Khawaji. Qom: Ayat al-Ishraq Publications.
- Javadi Amoli, Abdullah (2018). **Message to the National Conference "Love and Its Place in the Teachings of Ahl al-Bayt (AS) with Emphasis on the Life of Razavi (AS)**.
- Javadi Amoli, Abdullah. (1999). **Tasnim**. Qom: Israa.
- Kashani, Kamal al-Din Abd al-Razzaq (2001). **Collection of Kashani's Treatises and Works**. Tehran: Mirath Maktoob.
- Majlisi, Muhammad Baqir (1983). **Bihar al-Anwar**. Beirut: Al-Wafah Institute.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1982). **Bihar al-Anwar al-Jama'ah for the news of the holy Imams**. Beirut: Dar Ihya al-Turat al-Arab.
- Maleki Tabrizi, Mirza Javad (1999). **Asrar al-Salaat**. translated by Reza Rajabzadeh. Tehran: Payam Azadi Publications.
- Masoud, Gibran (2005). **Farhang al-Raed**. translated by Reza Anzabinejad. Mashhad: Beh nashr Pub.
- Mohammadi Baghmalai, Mohammad Kazem (1957). **Hadith bi-Qum o-Bish**. Tehran: Parsian.
- Mohammadi Rayshahri, Mohammad (2010). **Mizan al-Hikmah**. translated by Hamid Reza Sheikhi. Qom: Dar al-Hadith Scientific.
- Mowafaq, Alireza & Hossein Mohammad Hashemi (2017). **"Ayatollah Javadi's Interpretative View of the Degrees of Divine Love in the Universe"**. *Quranic Sciences and Interpretation of Ma'arij*, No. 1.
- Muttaqi, Ali ibn Hesam al-Din (1998). **The Treasure of Workers in the Ages of Words and Actions**. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, Publications of Muhammad Ali Baydoon.
- Qonavi, Sadr al-Din Muhammad (2002). **The Miracle of the Explanation of the Umm al-Quran**. Researched by Seyyed Jalal al-Din Ashtiani. Qom: Islamic Propaganda Office Publication Center.
- Qoshiri, Abul-Qasim (1995). **Al-Risalah**. Qom: Bidar.
- Sadruddin Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim (2002). **Breaking the Idols of Ignorance**. Tehran: Hikmat Sadra Foundation.
- Sadruddin Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim (2004). **Explanation of the Principles of Al-Kafi**. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Sajjadi, Seyyed Jafar (1994). **Dictionary of Islamic Education**. Tehran: Tehran University Press.

- Sajjadi, Seyyed Jafar (2000). **Dictionary of Philosophical Terms of Mulla Sadra**. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Salehizadeh, Mohammad Ismail (2009). **Love in the Quran**. Qom: Ashk Yas.
- Saliba, Jamil & Manouchehr Sanei Darra Beidi (1987). **Philosophical Culture**. Tehran: Hikmat Publications.
- Shajari, Morteza & Shahin Najafzadeh (2014). “**Love between God and Man from the Perspective of Mulla Sadra**”. *Religious Human Studies*, Vol. 11, No. 31.
- Sheikh Ishraq (1996). **Collection of Works of Sheikh Ishraq**. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Tabarsi, Ali Ibn Hassan (2000). **Mishkat Al-Anwar Fi Gharr Al-Akhbar**. Translators: Abdullah Mohammadi and Mahdi Hoshmand. Qom: Dar Al-Thaqlain.
- Tusi, Nasir Al-Din (1994). **Awsaf al-Ashraf**. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Yathrebi, Seyyed Yahya (1987). “**Love in Islamic Mysticism**” (Lecture). *Kayhan Farhangi*, No. 45: 8-11.

